

نجفی ابرنآبادی، علی حسین، قضایای شدن در حلقه اجرای کیفر، دیباچه در: جعفرزاده، فخرالدین، اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات دادیار، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۷. که دیباچه

### قضایای شدن مرحله اجرای کیفر

۱- ضمانت اجرای جرم، یعنی رفتار ناقض قوانین کیفری، قرن‌ها واکنشی به نام کیفر بوده است. از آنجا که ارتکاب جرم موجب بروز درد جسمانی - روانی برای بزه دیده می‌شده است، اعمال مجازات نسبت به بزهکار در واقع وسیله و مناسبتی برای تحمیل رنج و عذاب مشابه به او بوده است. کیفرهای بدنی متعدد در قانون‌نامه‌های بین‌النهرینی (میان رودانی)، رومی، یونانی و نیز در آیین کیفری عبرانی و تنوع اشکال این نوع کیفرها تا اواخر سده نوزدهم میلادی، حاکی از آن است که رسالت اصلی مجازات مدتها اخلاقی بوده و عمدتاً مکافات و سزا دادن بزهکار را دنبال می‌کرده است (کارکرد اخلاقی).

۲- با تحولات فرهنگی، صنعتی و اجتماعی و گسترش جوامع، سیاهه جرم در قانون متنوع شد و موارد ارتکاب آن نیز افزایش یافت؛ با ظهور مکاتب فلسفی و کیفری بزهکار، فردی تلقی شد که پس از محاسبه هزینه کیفری جرم و فایده و لذت جرم تصمیم به ارتکاب آن می‌گیرد. در این بستر اجتماعی و فکری بود که کیفر، با توجه به جامعه و مرتکبان بالقوه جرم، دارای کارکرد سودمندانه شد (کارکرد فایده‌گرایی). بدین ترتیب، کیفر افزون بر سزادهی به بزهکار، باید برای او و آن دسته از اعضای جامعه که وسوسه ارتکاب جرم در سر می‌پرورانند ارباب‌انگیز و عبرت‌آموز (بازدارندگی کیفری) و برای بزهکاران خطرناک (مقاوم) طردآمیز نیز باشد (سلب کیفری توان بزهکار).

۳- تولد جرم‌شناسی و به دنبال آن رویکرد تحقیقی به جرم، از یک سو سبب جابجایی گرانیگاه کیفر از بزه به بزهکار شد و از سوی دیگر، ضمانت اجرای جدیدی تحت عنوان «اقدامات تأمینی» که ناظر به آینده بزهکار است برای حقوق کیفری در آغاز سده بیستم به ارمغان آورد. در این چارچوب بود که بازپروری، اصلاح، بازسازگاری اجتماعی یا بازپذیرسازی بزهکار به عنوان یک کارگزار جدید برای حقوق کیفری تعریف شد و در پی آن بحث شخصی کردن مجازات‌ها و در نتیجه متنوع کردن کمی و کیفی ضمانت اجراهای کیفری مورد توجه مکاتب و حقوقدانان کیفری و سپس

قانونگذاران قرار گرفت<sup>۱</sup>. منشور بین‌المللی حقوق بشر در اواسط سده بیستم، به نوبه خود، بر کرامت ذاتی انسان مجرم و به ویژه بر رفتار انسان مدار اصلاح‌گر با بزهکاران تأکید کرد، چندانکه بند ۳ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در مورد نحوه رفتار با زندانی صراحتاً مقرر داشت که رژیم اجرایی زندان باید مشتمل بر رفتاری با محکومان باشد که هدف عمده اصلاح، به‌سازی و بازپذیرسازی اجتماعی آنان را دنبال کند: زندان محل اجرای کیفر سلب‌کننده آزادی است، اما برای بزهکار باید آثار اصلاحی، درمانی درپی داشته و زمینه بازگشت او را به جامعه هموار کند. بدین‌سان، رویکرد بازپرورانه حقوق کیفری به بزهکار جنبه حقوق بشری پیدا کرد و به تدریج وارد نظام‌های حقوق داخلی نیز شد و ضابطه‌مند گردید. از جمله در حقوق ایران، «اقدام مناسب برای اصلاح مجرمین» (قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی) به عنوان وظیفه‌ای برای قوه قضاییه - که مراجع قضایی، سازمان زندان‌ها و به‌طور کلی متولیان اجرای احکام کیفری تحت مدیریت آن قرار دارند - پیش‌بینی و تعریف شد.

۴- بازپروری بزهکار از گذر تعیین و اعمال مجازات مستلزم آن است که مقام صلاحیت‌دار در «مرحله قضایی»، یعنی مراحل تحقیقات، محاکمه و در بعضی کشورها (مانند فرانسه) حتی مرحله اجرای حکم کیفری و مرحله پس از اعمال کیفر<sup>۲</sup> (مرحله پاک‌کیفری)، با توجه به سابقه و خصوصیات اجتماعی متهم، اوضاع و احوال ارتکاب جرم، رابطه بزهکار و بزه‌دیده، تحول رفتار و شخصیت او و .... بتواند مناسب‌ترین قرار تأمین و کیفر را در قالب تصمیم‌های خود تعیین، صادر، اجرا و در جریان اجرا حرج و تعدیل کند. ناگفته پیداست که انجام این مهم نیاز به تشکیل یا دست‌کم توجه به پرونده شخصی و گونه حالت خطرناک<sup>۳</sup> بزهکار دارد. به عنوان مثال مواد ۲۰، ۲۲، ۲۵ و ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی و نیز مواد ۱۳۴ و ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مربوط به مراحل تحقیقات و محاکمه به‌طور ضمنی یا صراحتاً به آن توجه کرده است. قرار تأمین و حکم محکومیت کیفری شخصی شده، یعنی تصمیم‌های قضایی که علاوه بر تکیه بر قوانین و ملاحظات قضایی، به جنبه‌های اجتماعی و انسانی جرم و مجرم نیز توجه کرده باشد، در واقع بستر و لوازم بازپذیرسازی اجتماعی یا اصلاح اخلاقی، اجتماعی، حرفه‌ای .... بزهکار را در مرحله اجرای این تصمیم‌ها

<sup>۱</sup> - گفتنی است که به دنبال تولد بزه‌دیده‌شناسی و جنبش اجتماعی حمایت از بزه‌دیدگان - که در ایران «بزه‌دیده‌شناسی حمایت مدار» یا بزه‌دیده‌شناسی حمایتی مشهور شده است - کارکرد ترمیمی ضمانت اجرای کیفری که ناظر به رفع نیازها و تأمین خواسته‌های قربانیان جرایم پس از تحمل بزه‌دیدگی است مورد توجه قرار گرفته است (ضمانت اجرای کیفری ترمیمی).

<sup>۲</sup> - برای اطلاعات بیشتر رک. بابائی، محمدعلی، تحولات جرم‌شناختی - حقوقی مفهوم حالت خطرناک، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

مساعد و تأمین می‌کند. بدین ترتیب است که «مرحله اجرای» قرارهای تأمین و احکام محکومیت کیفری نیز در فرایند کیفری موضوعیت پیدا می‌کند و دل‌نگرانی سستی اعمال قانونمند این تصمیم‌ها که صرفاً جنبه نظارتی - اجرایی دارد، جای خود را به دغدغه اصلاحی - درمانی بودن این تصمیم‌ها، به منظور پیشگیری از تکرار جرم، می‌دهد. از این‌رو است که، به عنوان مثال، در مورد نحوه اجرای کیفر سلب‌کننده آزادی، ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ در اجرای مفاد قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، مقرر می‌دارد: «زندان محلی است که در آن محکومان ..... به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازگاری (اجتماعی) نگهداری می‌شوند». یا از جمله به موجب ماده ۳۹ ق.م.ا. اگر محکوم در مدت اجرای مجازات سلب‌کننده آزادی مستمراً از خود خُسن اخلاق نشان داده باشد، از آزادی مشروط که موجب بازگشت پیش از موعد او به جامعه می‌شود، برخوردار خواهد شد. بدین سان، «مرحله زندان‌ها» - دست کم در مورد اجرای محکومیت‌های کیفری سلب‌کننده آزادی - نیز نقش مهمی در فرایند کیفری و بازپروری مجرمان ایفا می‌کند. آیین‌نامه سازمان زندان‌ها به مرحله «پساکیفی»، یعنی مرحله پس از خروج محکوم از زندان، هم توجه کرده و تأسیس اداره مراقبت بعد از خروج را با هدف حمایت مادی و معنوی از محکومانی که مأوی و شغلی ندارند، دست‌کم تا سه ماه پس از آزادی از زندان، پیش‌بینی کرده است (ماده ۲۳۹).<sup>۱</sup> این اداره در واقع برای تکمیل اقدام‌های بازپرورانه و اصلاح‌گر زندان و حمایت از بزهکار «متنبه و اصلاح‌شده» در زندان پس از ترخیص از حبس (محیط کیفری بسته) و در جامعه (محیط عادی باز) است.

۵- از این‌رو، جای شگفتی نیست که بسیاری از نظام‌های کیفری دنیا، برخلاف نظام کیفری ایران، اجرا و اعمال محکومیت کیفری را هم یک مرحله قضایی تلقی کرده و برای آن دادگاه اجرای مجازات‌ها ایجاد کنند تا قاضی آن بتواند، برحسب چگونگی رفتار و تحول شخصیت محکومان، به مجازات صادره در جریان اجرا جهت دهد و بدون رجوع به دادگاه اصلی صادرکننده حکم محکومیت، آن را جرح و تعدیل نماید و در مقابل محکوم حق داشته باشد مراتب اعتراض خود را به تصمیم‌های این دادگاه به مرجع قضایی ذیصلاح اعلام و تقاضای رسیدگی کند.

۶- اثر حاضر، یعنی «اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه»، دقیقاً به اهمیت این مرحله از فرایند کیفری که اتفاقاً نسبت به سایر مراحل قضایی (دادسرها و دادگاه) کمتر مورد توجه

<sup>۱</sup> - در مورد اصلاح و درمان مجرمان در حقوق ایران رک. نیازپور، امیرحسین، بازپروری بزهکاران در مقررات ایران، فصل‌نامه تخصصی فقه و حقوق، شماره ۱۱، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵ تا ص ۱۶۴.

حقوقدانان قرار می‌گیرد و در حقوق ایران، بیشتر جنبه اجرایی - نظارتی دارد پرداخته است؛ نویسنده محترم سعی کرده است از گذر مطالعه تطبیقی حقوق کیفری ایران و فرانسه، نقاط قوت، ضعف و خلأ حقوق ایران را در این مرحله مشخص و به دنبال آن پیشنهاد‌های اصلاحی مطرح کند.<sup>۱</sup> اثر حاضر، با توجه به تجربه قضایی مؤلف محترم و همزمان تلاش علمی ایشان در فراگیری آموزه‌ها و نظریه‌های کیفرشناسانه و سپس توصیف و تحلیل آنها در اثر حاضر، جنبه‌های نظری و حقوقی قضایی تطبیقی «اجرای احکام کیفری» را یکجا گرد هم آورده است.

۷- آقای فخرالدین جعفرزاده، به رغم مسئولیت قضایی و مشغله کاری زیاد، در انجام تحقیقات، استفاده از منابع و نظریات استادان مختلف درباره موضوع اثری که در پیش رو است کوشش فراوان کرده و موفق بوده است. ناگفته پیداست که «اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه» به نوبه خود مصنفان فارسی در زمینه علوم جنایی - به ویژه کیفرشناسی - را غنی خواهد کرد و از همه مهم‌تر، برای اصلاحات حقوقی - قضایی در دست انجام - به ویژه در زمینه اصلاح نظام زندان‌ها و زندانبانی و تقویت کارکرد بازپذیرسازی اجتماعی حبس - مورد استفاده مسئولان قرار خواهد گرفت.<sup>۲</sup>

علی حسین نجفی ابرندآبادی

تهران، ۱۸ آذر ۱۳۸۶ خورشیدی

<sup>۱</sup> - گفتنی است که در لایحه قانون آیین دادرسی کیفری که در آبان ۱۳۸۶ به مجلس تقدیم شد، اجرای احکام کیفری همچنان به عهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی، در دادسرا عهده‌دار این وظیفه است (ماده ۱-۱۵۱). آرای کیفری به دستور و تحت نظارت «قاضی اجرای احکام کیفری» که عضوی از این معاونت است اجرا می‌شود. براساس ماده ۴-۱۵۱ لایحه که وظایف این قاضی را احصاء کرده، می‌توان گفت نقش او بیشتر نظارتی، اجرایی و به هر حال شکلی است. بدین ترتیب، در مقایسه با حقوق فرانسه که قاضی اجرای مجازات‌ها، اصطلاحاً قاضی نشسته محسوب شده و به عبارتی جانشین قاضی صادرکننده حکم اصلی در مرحله اجرای آن می‌شود، نمی‌توان از قضایی شدن مرحله اجرای احکام کیفری در لایحه تقدیمی سخن گفت. از نوآوری‌های لایحه، می‌توان به مواد اختصاص داده شده به چگونگی اجرای مجازات حبس و محکومیت‌های مالی و سایر مجازات‌ها (مواد ۱-۱۵۲ و بعد) و نیز چگونگی اجرای قرار تعلیق و مجازات، آزادی مشروط و .... (مود ۱-۱۵۵) اشاره کرد.

<sup>۲</sup> - به عنوان مثال، به مناسبت طرح و بررسی دو لایحه قانون مجازات اسلامی و قانون آیین‌نامه دادرسی کیفری در مجلس.